

نیست بلکه منبعی ارزشمند برای توسعه پایدار، کارآفرینی و رونق اقتصادی است. گردشگری فرهنگی که بر پایه میراث ملموس و ناملموس شکل می‌گیرد، می‌تواند منبع درآمد و اشتغال برای جوامع محلی باشد. اما این توسعه زمانی پایدار خواهد بود که مردم محلی در فرآیند برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی نقش محور داشته باشند و منفعت اصلی نصیب خودشان شود. توسعه بدون مردم، به سادگی می‌تواند به تخریب ارزش‌ها، یکسان‌سازی فرهنگ و بهره‌برداری اقتصادی بدون توجه به هویت و اصالت فرهنگی بینجامد. امروزه حفاظت از میراث فرهنگی با چالش‌هایی نظیر جهانی شدن، مهاجرت، تغییرات سریع فناوری و حتی تخریب زیست‌محیطی رو به روست. در این میان، تنها راهکار اثربخش، تقویت سرمایه اجتماعی مردم و مشارکت واقعی آن‌هاست. آموزش رسمی و غیررسمی درباره اهمیت میراث فرهنگی از سنین پایین، فراهم کردن امکان حضور و نقش‌آفرینی مردم در همه سطوح تصمیم‌گیری، حمایت از فعالان فرهنگی و هنری، و فراهم آوردن بسترهای نوآوری و خلاقیت، از جمله اقدامات کلیدی برای تضمین ماندگاری میراث است.

در نهایت، باید تأکید کرد که هر جامعه همان‌قدر که به تاریخ و گذشته خود وابسته است، باید خود را مسئول آینده بداند. آئین‌ها، شیوه‌های زندگی، هنر و جهان‌بینی که امروز حفظ و منتقل می‌شود، ثروتی است که نسل‌های آینده را نیز به این حلقه عظیم فرهنگی پیوند خواهد داد. مردم، نقش‌اولن صحنه میراث فرهنگی‌اند و هر جا این نقش پررنگ‌تر بوده، فرهنگ و هویت آن جامعه پایاتر و بالنده‌تر مانده است. در جهانی که سرعت تغییرات هر روز بیشتری شود، میراث فرهنگی حکم ریشه‌هایی را دارد که بی‌آن‌ها درخت جامعه نیز سرسبز نخواهد ماند.

زندگی روزمره، از رهگذر قصه‌گویی، مراسم، کارگاه‌های دستی، آموزش شفاهی و مشارکت در آیین‌ها صورت می‌گیرد. به این ترتیب اغلب حتی کودکان و نوجوانان بی‌آنکه آگاه باشند، میراث فرهنگی قوم یا سرزمین خود را فرا می‌گیرند و به بازتولید آن کمک می‌کنند. این فرآیند انتقال، نه تنها دانش فنی بلکه نظام ارزش‌ها، جهان‌بینی، باورهای اخلاقی و اجتماعی را نیز به همراه دارد. بدون این حلقه ارتباطی میان نسل‌ها، هیچ فرهنگی دوام نمی‌یابد و میراث معنوی به تدریج از یاد می‌رود. یکی دیگر از جنبه‌های کلیدی نقش مردم در حفظ میراث فرهنگی، آفرینش خلاقانه است. فرهنگ و میراث نه فقط به معنای تقلید و تکرار گذشته بلکه به معنای بازآفرینی و بازتفسیر آن در بافت جدید است. بسیاری از هنرهای سنتی، موسیقی‌ها، لباس‌ها و حتی معماری‌ها اگرچه ریشه در گذشته دارند اما با ذوق و ذهن خلاق مردم امروز دگرگون می‌شوند تا پاسخگوی نیازهای حال باشند. این نوآوری در دل سنت، ضامن تداوم و زنده بودن میراث در جوامع محلی است. ارتباط میان مردم و میراث فرهنگی، از جنبه هویت‌بخشی نیز اهمیت فراوان دارد. میراث، گذشته را به حال پیوند می‌زند و به افراد احساس تعلق و امنیت خاطر می‌بخشد. در جهانی که مرزهای فرهنگی از میان رفته و سبک زندگی‌ها به هم نزدیک می‌شود، وجود میراث و توجه به آن، همچون سپری در برابر فراموشی و بی‌هویتی عمل می‌کند. مردم هر جامعه، با مشارکت فعال در مراسم بومی، زنده نگه داشتن زبان مادری، حمایت از هنرمندان محلی و تشویق به آموزش سنت‌ها، به استحکام هویت جمعی خود کمک می‌کنند.

توجه به نقش مردم، فقط ناظر به گذشته نیست بلکه آینده را نیز رقم می‌زند. امروز میراث فرهنگی فقط موضوعی برای موزه‌ها و کتاب‌ها

بلکه در فرآیندی مداوم و در مواجهه با تغییرات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه، تغییر شکل می‌دهد. در این میان، جوامع محلی بستر اصلی این تحول‌اند. آن‌ها از یک سو سنت‌ها را به نسل جدید منتقل می‌کنند و از سوی دیگر، با پذیرش تحولات جهانی و فناوری‌های نوین، میراث را بازتولید و به‌روز رسانی می‌نمایند. این رابطه دوسویه و تعاملی، راز ماندگاری میراث است. مردم، فاعل و موضوع اصلی میراث فرهنگی‌اند. ارتباط آن‌ها با میراث نه تنها بر پایه خاطرات جمعی و باورهای ریشه‌دار شکل می‌گیرد، بلکه از رهگذر استفاده روزمره، بازآفرینی خلاقانه و حتی نقد و بازنگری تقویت می‌شود. میراث فرهنگی به واسطه مناسک، آیین‌ها و رویکردهای اجتماعی که مردم خلق می‌کنند و معنا می‌بخشند، زنده و پویا می‌ماند. تمامی این عناصر در هم تنیده است و نشان می‌دهد که فرهنگ نه یک پدیده منجمد، که یک فرآیند جاری و متحول است که پویایی خود را مدیون مردم است.

نقش جوامع محلی در ثبت و حفاظت از میراث فرهنگی آن‌قدر بنیادین است که سازمان‌های جهانی همچون یونسکو نیز بر آن تأکید دارند. در اسناد بین‌المللی مانند کنوانسیون ۲۰۰۳ یونسکو درباره حفظ میراث فرهنگی ناملموس، بر ضرورت مشارکت فعال جوامع در هر مرحله از جمع‌آوری، مستندسازی و صیانت از میراث تأکید شده است. نگاه بالا به پایین و متمرکز دولتی، بدون لحاظ کردن دانش زیسته و تجربه مردم، نه تنها ناکارآمد بلکه گاه حتی مخرب بوده است. مردم محلی، با تجربه زیست بومی، سازوکارهای حفظ و انتقال میراث را بهتر از هر نهاد دیگری می‌شناسند. یکی از مهم‌ترین جلوه‌های مشارکت مردم، انتقال دانش و مهارت‌های بومی از نسلی به نسل دیگر است. این انتقال، نه صرفاً از طریق آموزش رسمی، بلکه در دل

